



اسلام و سیکولاریزم!

میدانید که بحث دین و سیکولاریزم و باز بحث اسلام و سیکولاریزم بحث طویل و عریض است!

در سال ۱۹۹۹ در مورد در کنفرانس جهانی علمای دینی جهان تفصیل داشتم! اما خلص و تلگرافی:

سیکولاریزم از لحاظ لغت با بعضی ادیان دیگر به شمول ادیان اسمانی ممکن مطابقت داشته باشد ولی با دین اسلام در کل مطابقت ندارد! سیکولاریزم ملاشاهی هم نیست! بعضی ادیان را که ما به نام دین و شناخت ایشان از الله ج و خدای شان باشد، نیست و تعداد ازین ادیان معروف برای ما از جمله هندویزم دین و عقیده نیست، بلکه انتخاب طرز زندگی معین است!

بلی از سیکولاریزم برداشت های اصطلاحی متفاوت است و بعضی برداشتهای اصطلاحی از سیکولاریزم تاکیدات کفری اند و باید از ان اجتناب کرد!

مشکل ما و مسلمانان درین جا نیست! و این چنین فهم اب به آسیاب تفکر مطلق العنان و تمامیت خواه و دیکتاتوری های تمامیت خواه دینی میریزد و ریخته است و ما تجارب بسیار بدی آنرا از چپ و راست تجربه داریم!

درین خصوص بخش از مشکل، مشکل دیگران در فهم دیموکراسی و جمهوریت است نه فهم ما!

اگر منظور از جمهوریت، حاکمیت جمهور و اکثریت و دیموکراسی حاکمیت مردم، بالای مردم و در خدمت بالنده سازی و پرورش و در خدمت ارزشهای مردم و جمهور اند، من جمهور و ملت مجاهد و مسلمان با ارزشهای اسلامی و در توافق به عقیده و ارزش من اکثریت و جمهور زندگی کردن و در خدمت من جمهور بودن امور ا تنظیم کردن است! من و انتخاب من در چوکات اسلام و ارزشهای اصیل اسلامی من است و ساختن قوانین و طرز العمل های جامعه من در همین چوکات است که نماینده من در پارلمان انتخاب شده، چون انتخاب ملت در چوکات اسلام است و پارلمان و جمهوریت منتخب من (سفارتخانه های خارجی نه) برای در خدمت بودن من و ایمان خود (ایمان به دالر نه) قوانین و مقررات و قواعد زندگی را مشروع، مدون میسازد (نه در اکوره و نه مقنن گمنام و به قدرت رسیده به بمب بوشکه) و من را در تحقق ارمانهای من و زندگی در چون ایمان و عقیده من در خدمت من جمهور قرار میگیرد! لذا سوال جمهوریت و بحث جدایی دین از سیاست و به این ترتیب سیکولاریزم ضرورت جمهوریت نه درست و نه مطرح است! با چنین فهم و چنین درک، باز کردن بحث سیکولاریزم و دفاع از آن در واقعیت بحث روشنفکری و خارج از جانب عمل، قطعاً نادرست است!

خدمت شما و افکار افراطیت مسلط دینی عرض کنم: پارلمان در جوامع اسلامی خالق قوانین نیست!

که در نتیجه فرصت مقنن مجهول الهویه، غیر مشروع بر من قانون اجراءات جزایی عصر خفته با روایت و استناد رد المختار و... (چرا رد المختار را منبع ساخته اند و چرا قرآن کریم و اصلی قرآنی و سنت رسول الله را منبع نه سازیم؟) تحمیل کنند! من انقدر جمهوری و دیموکرات نیستم که مندرجات و قافله های حقوق اساسی بشر را که همه چشم و گوش بسته قبول دارند، من هم قبول کنم!

من تساوی مرد و زن را در تساوی انسان و انسانیت میدانم و میدانم که از دامن زن انبیاء- پیامبران به معراج رسیده اند، اما مرد و رسالت آن در خانواده و جامعه و زن و رسالت آن در جامعه و خانواده در موارد متفاوت است و من در زیر نام تساوی، مثلاً بر مرد تحمیل کردن طفل را حمل کردن و زندگی، مرد با مرد و زن با زن و تساوی حق همسکسوال و لژیون را نمی پذیرم، چیزیکه در قوانین حقوق بشر و در جمهوری به نام اسلام چون پاکستان با تمام منافقت مولانا فضل الرحمن توسط خودش دستخط و در پاکستان موجود نافذ شده!

چنین جمهوریت و چنین دیموکراسی خطاء و نادرست و فهم نادرست از دیموکراسی است!

من نمی پذیرم که حاکمیت و اصل سیکولار باشد و برای من قانون گزار گفته شود که دین ات را برای خودت نگه دار و ما سیکولار هستیم!

تصمیم من منتخب مردم مجاهد و مسلمان در چوکات ارزش اسلام و منعکس کننده صدای مردم من در قوانین و جامعه است! اگر در موارد غیر بنیادی، روایت طالب و من در قانون اجرات جزایی و وظایف کمیته های امر بالمعروف و نهی عن المنکر عدم روشن بودن حدود و صلاحیتهای این مراجع و وجود دارد که دارد، بگذار هر دو روایت اسلامی به انتخاب ملت بروند و من و ایشان استدلال خود را داشته و مسؤولیت تنفیذی و اجراییوی اش بعد از فیصله نورمال ملت و مراجع مشروع، در چوکات جمهور و دیموکراسی به گردن فیصله کننده باشد و من فرصت داشته باشم که برای تحقق روایت و سفید خود، مبارزه و تنویر خود را ادامه دهم!

قابل قبول، اسلامی و جمهوری نیست که وزیر تحصیلات عالی به میدیا و میک بیاید و بگوید: کدام سوال اجازه و کدام سوال اجازه نیست؟! سوال اجازه نیست!

تاکید وزیر مبنی بر عدم جواز حتی سوال فرصت تعلیم برای دختران را غیر مجاز دانستن در اثر همین افراط و تفریط و در اثر خلاصه کردن جمهوریت مبتذل در خانه های امن و بکار گیری، سوء استفاده آنها از خانه های امن جمهوریت و امثال آ افراط و تفریط و فهم غلط است!

فهم غلط و نادرست متعصبیت ستمی که اگر احزاب ما قومی آد، حل قونی شود! چنین حزب قونی و متعصب باید منع قرار داده شود، تا خل قومی!

افغانستان ل قونی و زبانی ندارد! اصل یک شعرن، یک رأی و حاکمیت قانون و تطبیق بر همه یکسان! تقویت افراطیت و دیکتاتوری بخاطر افکار پدرامی و توهین و تحقیر عزت، افغانیت و ارزشهای ملی من توسط نسیمی ها، پدرامی ها و مهدی ها و سایر وطن و عزت فروشان نیز است!

لذا فهم خود را از مسایل دقیق و در همین چوکات دست از افراط و تفریط برداشت!



برای مطالب دیگر دوکتور صلاح الدین سعیدی روی عکس کلیک کنید